



انتخاب کلمات زنده و نحو کلام امروزی سبب شده است که شعر حوزه در این روزگار، هم مسیر با زبان روز جامعه سیری بالنده داشته باشد. گواه این مطلب تمامی ابیاتی است که پیش از این در همین مقاله از شاعران حوزه خوانده ایم.

اما آیا شعر حوزه به سبک خاصی رسیده است و یا اینکه اصلا می تواند برسد؟ این سوال موضوع بسیاری از نشست ها و مقالاتی است که در سال های اخیر بر گزار گردیده و نگاشته شده است. برخی بر این عقیده اند که شعر حوزه می تواند به تشخیص زبانی خاصی برسد و آن را از دیگر آثار شاعران معاصر متمایز کند و برخی دیگر زبان صنفی را نمی پذیرند و آن را در شعر حوزه نفی می کنند و اینگونه می گویند که شاعر حوزه وجود دارد، اما شعر حوزه نه.

این مطلب مجالی بیشتر از حوصله این نوشتار می طلبد اما قدر متقن این است که شاعران حوزه با انسی که با آیات و روایات دارند و نیز الفتی که با علوم مختلف آن هم به زبان عربی ایجاد کرده اند، در اندیشه و بعد از آن در زبان، اشعارشان وجه تمایز هایی با شعر دیگر شاعران انقلاب دارد.

خروج از نرم و ایجاد بسامد دو عامل تشکیل سبک محسوب می شود. استفاده از کلمات و ترکیب های قرآنی، روایی و علوم مختلف حوزه و مهم تر از آن بهره مندی از اندیشه دینی ژرف در آثار بسیاری از شاعران حوزه یک نوع تشخیص به اشعار آنان داده است. اما مطرح کردن این ادعا که شعر حوزه به سبک خاصی رسیده است نیازمند دلایل محکمی است که حداقل نویسنده این سطور به آن هادست نیافته است. به در آثار تعدادی از شاعران حوزه و یا شاعرانی که تحصیل در حوزه های علمیه را در دوره های از زندگی خود داشته اند فضا و رنگ و بوی خاصی حاکم است. بدون تردید شاخص ترین زبان شعری در میان طلاب شاعران احجت الاسلام کریم اخلاقی دارد و همانگونه که در مبحث اندیشه بیان شد، جهان بینی خاص ایشان سبب استفاده از مضامین و دایره کلماتی ویژه شده است.

علیرضا قزوینی نام آشنای شعر انقلاب، تحصیل در حوزه علمیه و فعالیت در عرصه های اجرایی چون دبیری کنگره شعر حوزه را در کارنامه زندگی خود دارد. بسیاری از آثار قزوینی زبانی با ویژگی های متفاوت از شعر دیگران ارائه شده است و به قول معروف می توان امضای شاعر را در پای آن اثر دید.

بسامد بالای کلمات و تعبیر عربی و مهم تر از آن اندیشه عمیق دینی و ولایی در آثار او، به زعم نویسنده این نوشتار رهاور دسال های طلبگی و همنشینی با طلاب شاعر است. غزلی از این شاعر مطرح انقلاب:

دوستان ناامیدم دوستان ناامید
آسمانی تر ببینید، آسمانی تر شوید
از خدا پنهان نمانده، از شما پنهان مباد
چند روزی رفته بودم پای درس بایزید
گفت: «پیرت کیست» گفتم: «دل - رضی... عنه»
گفت: «عاشق نیستی» گفتم: «به قرآن مجید»
گفت: «امام اول عقلت؟» نگفتم بوعلی
گفت: «امام اول عشقت؟» نگفتم بوسعید
گفت: «شرط بندگی؟» گفتم: «شهادت» گفت: «لا»
گفتم: «آخر صبر کن» با خنده حرفم را برید
گفت: «لا گفتم ولی پایش الا... بود»
گفتم: «اما آنکه می بایست حرفت را شنید»
آن «شهادت» نیز تنها «اشهد ان لا... نبود»
فرق بسیارست بین لفظ «اشهد» با «شهید»

حجت الاسلام سید سلمان علوی از شاعران جوان حوزه می باشد که در مشهد مقدس سایه نشین لطف حضرت علی ابن موسی الرضا است. علوی به اصل «کم گوی و گزیده گوی» به خوبی ملزم بوده است و آثاری بانگه و زبان ویژه ارائه کرده است. غزلی از این روحانی شاعر تقدیم به حضرت ثامن الائمه:

طرحی زده تبسم تلخش را، از منتهی الیه دو چشم شور
بغض است در غریبی این لیخند، زهر است در تبسم این انگور
می بوسد و برای چه می لرزد، پیشانی ملیح ستایش ها؟!